

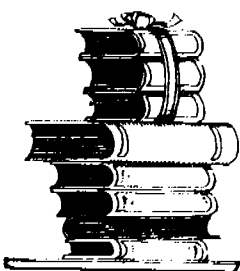
همچون فضای سبز که به زندگی نشاط می دهد مطالعه نیز به روح انسان قوت و توانایی می بخشد.

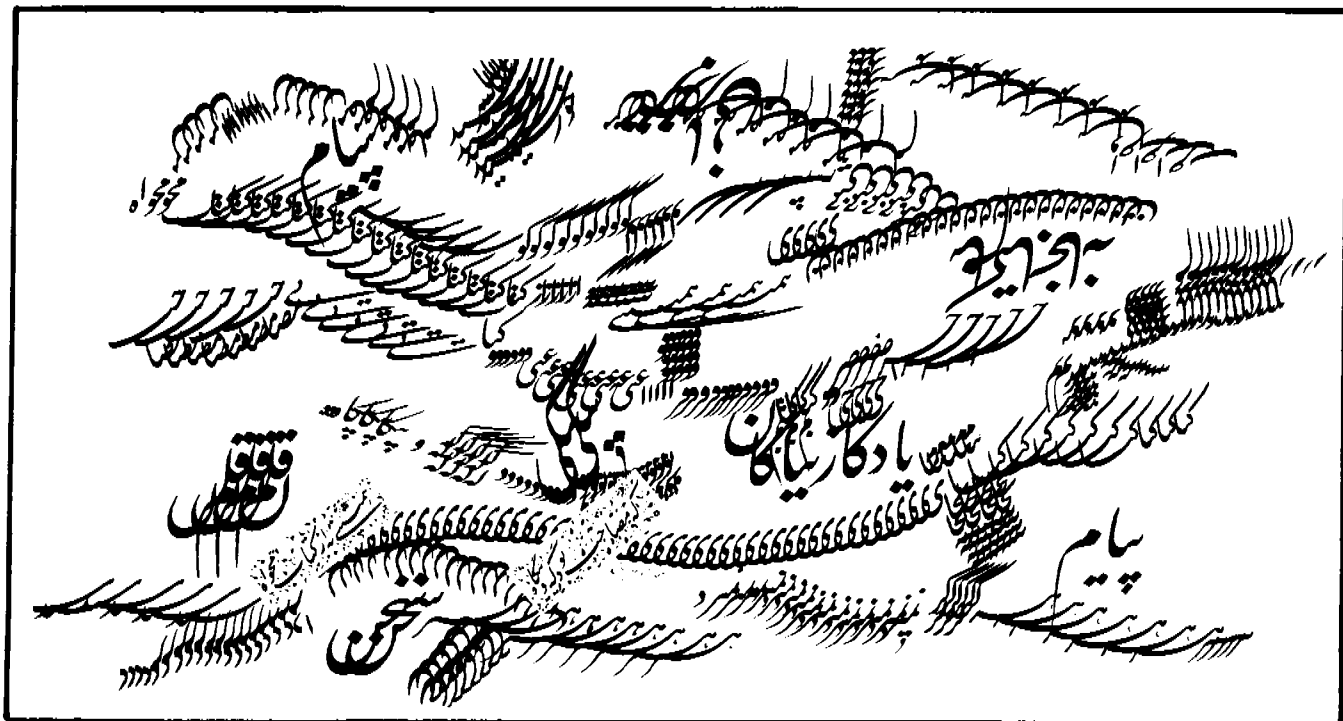
۸. تبلیغات در جهان ما نقش آفرین است. در مورد همه چیز تبلیغات نقش تعیین کننده دارد. اگر فعالیتی سیاسی انجام می شود اول تبلیغات و زمینه سازی می شود. اگر کالائی اقتصادی قرار است بفروش برسد گاه بیش از نیمی از اعتبار صرف تبلیغات می شود و اگر از نظر اجتماعی و فرهنگی بخواهند فکری را پیاده کنند متوسل به تبلیغات می شوند. البته تبلیغات اگر صرفاً درباره هر کس و هر چیز بیان آنچه هست باشد امری مطلوب است و بمعنی ابلاغ و رساندن و کاری مفید است. درباره کتابخانه ها و کتابخوانی ما نه تنها واقعیت آنها را ننمایانده ایم که حتی بسیاری از توهمات و ناصوابها را در ارتباط با آنان از صفحه ذهن و دل مردم زدوده ایم. مضافاً بسیاری از مردم تصویری صحیح، آنچنانکه باید از کتابخانه ها ندارند. بنا بر این بنظر می رسد که باید در ارتباط با شناساندن کتابخانه ها به عنوان کانون های فرهنگی از طریق صدا و سیما مطبوعات، بحث در محافل و مجالس و مدارس و دانشگاه بیش از پیش کوشید. باید نمونه های عینی و عملی را به مردم عرضه کرد. باید علاقمندان به مطالعه را به مردم شناساند باید محققان زبده و چیره دست را به مردم معرفی کرد و بویژه از آنها خواست که ارتباط خود را با کتاب و کتابخانه برای مردم بیان کنند و نشان دهند که چگونه با کتاب برخورد کرده اند و چقدر آن را عزیز داشته اند و با چه شیوه ای گمشده خود را از دل آنان بیرون کشیده اند و در ایام خلوت و فراغت با چه عشق و شوری با آن به نجوا پرداخته اند. باید مردم بدانند که کتاب و کتابخانه چه نقشی در پرورش شخصیت علمی و فرهنگی آنان داشته است باید از انواع و اقسام امکانات جهت عرضه کتابخانه و خدماتی را که می تواند ارائه کند بهره برد باید هم مسئولان بویژه شهرداران جهت پر کردن بخشی از ساعات فراغت مردم در کتابخانه ها سرمایه گذاری کند. چگونه است که مردم برای دیدن يك مسابقه ورزشی به اصطلاح سر و دست می شکنند، پول هم می دهند اما در مورد کتابخانه آن شور و شوق نیست. بدیهی است که ارائه بهترین سرویس ها در کتابخانه ها خرج دارد باید برای آن سرمایه گذاری کرد. جذب بهترین و متخصص ترین انسانها به عنوان مشاور اعتبار می خواهد. چون در این زمینه کار نشده است ممکن است گفته شود که جامعه از این امر استقبال نمی کند و چون جامعه استقبال نمی کند پس کار بیشتر فایده ندارد و این دور باطل همچنان ادامه پیدا کند در حالی که اگر صلاح اندیشان جامعه به فکر باشند و کتابخانه ها را به محل تحقیق و مراکز برخورد اندیشه و آراء تبدیل و کنار آن وسائل سرگرمی و خدمات جنبی نیز پیش بینی کنند جامعه آن را پذیرا خواهد بود. چه می شد اگر در هر محله ای کتابخانه و کتابخانه هایی می بود و افراد شاخص و سرشناس علمی و فنی و هنری با آن در ارتباط بودند و طبق برنامه های منظم در محل حضور می یافتند و با پاسخ به نیازهای علاقمندان افراد بیشتری را جذب و راهنمایی می کردند. چه می شد اگر بست در خدمت کتاب رسانی به جامعه علاقمند از کتابخانه وارد عمل می شد همچنانکه در رابطه با جانبازان این کار را شروع کرده است. و با هماهنگی با کتابخانه ها مسئول رساندن کتاب و تحویل بموقع آن می بود، در نمایشگاههای بین المللی کتاب چه در داخل و یا خارج کشور، سهمی را بسود کتابخانه های عمومی در نظر داشته باشند و بحث ها به همان اندازه که در رابطه با فیلم و تئاتر در مجله ها روزنامه ها به ویژه سروش می شود درباره کتاب و کتابخانه ها نیز صورت گیرد.

انشاء...

**اگر شهرداری توجهی را
که این روزها به فضای سبز
شهر دارد به کتابخانه ها
می کرد، مردم هم درک
می کردند که مطالعه به
اندازه فضای سبز برای
کیفیت زندگی لازم است.**

**تشتت در تصمیم گیری ها،
مدیریت های متعدد در مورد
کتابخانه ها مانع هماهنگی
و همکاری در زمینه رشد
و توسعه کتابخانه ها شده
است.**





یادداشتی بر طرح روی جلد

نواختی ترکیبی تر دست یابد. به حرکت موج وار حروف و کلمات دقت کنید. به تداخل نامنظم و غیر موزون حرکات قلم و حروف دقت کنید تا دریابید که توازون و نظم مشخص این حروف یا کلمات از نوعی نظم بصری و زیبایی شناسی برآمده از انضباط درونی هنرمند پیروی می کند. این ترکیبی پیچیده تر، چون يك سنفونی را به دست می دهد و از اصل موسیقاری پیروی می کند و در عین حال همه ویژگی های امروزین گرافیک را در خود دارد. این دوره ای جدید را در کار استاد احصائی نوید می دهد.

اینجا اما استاد احصائی دست به تجربه ای تازه زده است. او بار دیگر هویت ادبی حروف فارسی - خط فارسی را به سیامشق سنتی خطاطی ایرانی می افزاید، و می کوشد تا به ضرباهنگ، به نواخت و هماهنگی موزون و خوش نواز و خوش پرداخت جدیدی دست یابد که زیبایی را نه از پس موتیف های بسیط، بلکه از طریق تحرك عناصر مرکب خطاطی به چنگ آورد. پس به جای حرف تنها، از کلمات، از انحنای خود حروف و حرکت دست خود، از حرکات اجباری حروف و از تحرکات ارادی دست خود سود می برد تا به اثری پیچیده تر، موزون تر با

هنرمند خطاط در انزوای خود و در کشف و شهود هنرمندانه اش به آن اوج رسید که از خطاطی هنری یگانه و بی بدیل و منتها ساخت. هویت و ارزش ادبی خط را از آن گرفت و آن را پالوده کرد و به «سیامشق» رسید. یعنی زدودن هویت ادبی خط و بدل کردن خط و حروف به عناصر زیبایی شناسی صرف، به موتیف های حرکتی که در انحنایها و کژی ها، در قوس ن ها و س ها و در عمود الف ها نواخت موزونی و هماهنگی را شکل دهند که اوج خلاقیت هنرمند منزوی و سخت کوش ایرانی ست، در خلوت خود و در مکاشفه خویش و در پرستش الوهیت.



کتابداری



گزارشی از نظام کتابخانه‌ای عمومی کشور

محمد ابراهیم انصاری

۱ - بازسازی یا سازندگی

کشوری آباد و مستقل و آرمانی بپردازند با این مقدمه کوتاه می‌توان به خوبی دریافت که مقید کردن «بازسازی» یا به عبارت رساتر «سازندگی» به تجدید بنای خرابی‌های ناشی از جنگ و نیز محدود کردن آن به ابعاد اقتصادی، صنعتی نظامی تصویری نابجا و نامعقول است و در يك کلام باید این مرحله جدید سازندگی را مرحله دوم انقلاب اسلامی با تمامی وسعت و عمق آن دانست، به این ترتیب بامقوله سازندگی بسیار عمیق‌تر و دقیق‌تر باید برخورد کرد و به ظاهر خرابی‌ها اکتفا نکرده و باید پوسیدگی‌های درون و فسادهای پنهان را هم دریافت و در پی جوئی ریشه‌ها و عوامل خرابی فقط جنگ را مد نظر قرار نداد که تا ریشه‌ها و علل خرابی به دقت بازبایی نشوند هرگز سازندگی اصولی و منطقی نیز امکان پذیر نخواهد بود.



در آغاز راه پرفراز و نشیب «بازسازی» هستیم، و قریب به دو سال از برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را پشت سر گذاشتیم، شاید استفاده از واژه «بازسازی» چندان خالی از مسامحه نباشد زیرا پیش از این نساخته بودیم که خراب شود و دگر باره بخواهیم بسازیم، با این توضیح که هر انقلابی دو مرحله اساسی دارد یکی مرحله نفی و انکار وضعیت موجود و تخریب بنیادها و استوانه‌های فکری فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سیستم مطرود و دیگر مرحله سازندگی و برنامه‌ریزی وضعیتی نوین، مبتنی بر آرمانها و اصول راستین انقلاب و ناگفته پیداست که انقلاب اسلامی ایران در آغاز مرحله دوم، یعنی مرحله سازندگی با مشکلی جدید و عظیم بنام جنگ تحمیلی مواجه گردید و به این ترتیب فرصت سازندگی‌های اصولی و برنامه‌ریزی‌های اساسی در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی از مسئولین انقلاب سلب و یکسره انقلاب در مسیر دفاع و مقاومت در برابر هجوم وحشیانه دشمن سوق داده شده و از آن پس بمدت ۸ سال این جهت‌گیری کلی بر مجموع برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کشور حاکم بوده است.

به عبارت دیگر درست پس از پیروزی انقلاب اسلامی جز ویرانه‌های ناشی از حکومت جابرانه سلاطین بر این مرز و بوم و نیز نابسامانی‌های طبیعی ناشی از انقلاب چیزی بر جای نمانده بود و سازندگی و معماری جدید این بنای ویران برنامه‌ریزی بسیار دقیق و منظم و برخاسته از بینش عمیق اسلامی، انقلابی را می‌طلبید که هرگز مسئولین انقلاب و مردم ایران چنین فرصتی را پیدا نکردند و ناچار آن همه خرابی‌ها و ویرانی‌ها را بحال خود گذاشته و دست در دست هم در سنگر دفاع از ارزش‌ها و اصول انقلاب و برای حفظ کلیت نظام ۸ سال مداوم جانانه و مردانه جنگیدند، به امید روزی که بتوانند دست دشمن غدار را از سرزمین پاک و مقدس ایران کوتاه نموده و با فراغ بال به سازندگی

۲ - اولویت خاص بخش فرهنگ در بازسازی

در این میان تشخیص و تعیین اولویت‌ها در امر بازسازی بسیار خطیر و سرنوشت‌ساز است. و پیداست که اولویت خاص را باید به جنبه‌ای از سازندگی و بازسازی داد که پشتوانه استحکام و استواری دیگر بخشها محسوب می‌گردد و برای تضمین استحکام، متانت و استواری در سازندگی‌های صنعتی، اقتصادی و نظامی کشور، چه پشتوانه قوی‌تر از ایمان و فرهنگ مبتنی بر ارزشهای انقلاب می‌تواند وجود داشته باشد.



امام است. در آغاز پیروزی انقلاب در یکی از سخنرانی‌هایشان فرمودند: «ما انقلاب نکردیم که رژیم برود و رژیم دیگری بیاید، ما انقلاب کردیم که انسان کهنه و متحجر قدیم برود و انسان نو و متکامل جدید بیاید». در یک چنین بینش الهی و اصیل تحول فرهنگی و سازندگی فرهنگی در کشور ما باید به این توفیق دست یابد که در یک سیستم برنامه‌ریزی شده فرهنگی به تربیت و پرورش انسانهای متعالی و نمونه آراسته به فضائل و اخلاقیات والا بپردازد در غیر این صورت مملکت ایران به هر درجه از آبادی و آبادانی که برسد و به هر میزان که در شاهراه پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیکی توسن وار حرکت نماید نمی‌تواند مدعی حفظ اصالت‌ها و ارزشهای انقلاب باشد. در این شرایط فوق‌العاده حساس که خطر ذبح آرام و پنهان ارزشهای اسلامی و اصالت‌های انقلاب بیش از هر زمان دیگر وجود دارد باید کاملاً هوشیار بود که چه می‌دهیم و چه می‌ستانیم نباید فراموش کرد که همه انحطاط و سقوط دنیای غرب علیرغم پیشرفتهای حیرت‌انگیز در ابعاد صنعتی، اقتصادی به خسارت نداشتن پشتوانه‌ای معنوی و فرهنگی است.

ما امروز بیش از هر زمان دیگری محتاج آنیم که تمدن و فرهنگ غنی و پر بار خویش را بازشناسی کنیم، ما از همانجایی باید آغاز کنیم که در آنجا پایان یافته‌ایم. مرگ این مردم و اوج انحطاط و سقوط این ملت زمانی بوده است که استعمار توانسته بود او را از



فرهنگ ملی اسلامی و تمدن تاریخی‌اش بیگانه و حتی منزجر و متنفر نماید و نقطه آغاز راه آشتی دادن این مردم با فرهنگ غنی‌اش و آشنا کردن این نسل با گذشته پر بار و تمدن عظیم و تاریخی‌اش بوده و حیات ما و بازسازی همه جانبه کشورها نیز جز ادامه این طریق حقه نمی‌تواند باشد.

اگر بپذیریم که روشها زاده بینش‌ها هستند و اندیشه‌ها زمام پیشه‌ها را بدست دارند و مغزها بر پاها فرمان می‌رانند و کردارها از پندارها سرچشمه می‌گیرند، آنگاه بطور طبیعی در

برنامه‌ریزی‌های بازسازی ارتقاء بینش‌ها، بیداری اندیشه‌ها، پرورش مغزها و پالایش پندارها از اولویت‌های خاص برخوردار خواهند شد. و طبیعی است که چنین اولویتی بخش فرهنگ به معنای اعم را در بر خواهد گرفت.

۳ - کتاب عنصر اصلی بخش فرهنگ

هرچند در میان عناصری که بخش فرهنگ را شکل می‌بخشند و در حفظ و صیانت فرهنگ و توسعه آن مؤثرند و مسائل ارتباط جمعی نقش بسیار مهم و ارزنده‌ای دارند اما به جهت عدیده‌ای که بسیارشان هم بدیهی می‌نماید نقش و تاثیر کتاب بسیار بر اهمیت و برجسته‌تر است. اگر چه تلویزیون وسعت بیشتری را پوشش می‌دهد اما نسبت به کتاب تاثیراتش هم سطحی و هم ناقص است، تلویزیون بیشتر در آفرینش فرهنگ عمومی مؤثر است در حالیکه کتاب به منزله ماحصل اندیشه پالایش یافته انسانها و برآمده از پژوهش و تفکر، در آفرینش و توسعه فرهنگ‌نخبگان یعنی خالقان اندیشه‌های تازه و کلیدداران ابواب گوناگون علوم و دانش بشری مؤثر است. در تاریخ نیز ادیان الهی و تمدنهایی پر و ام بوده‌اند که توانسته‌اند با کتاب میراث فرهنگی خود را محفوظ و گنجینه‌های معارف و دست‌آوردهای عالمان خود را به نسلهای بعد انتقال دهند.

جامعه‌ای که فرهنگی پویا و زنده دارد و به تفکر و پژوهش و تحقیق بها می‌دهد جامعه‌ایست که از مهمترین اشتغالات فکری و عملی زمامداران آن سیاست‌گذاری برای اعتبار دادن به کتاب و برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای نشر و توزیع آن باشد.

آنگاه که در جامعه‌ای پژوهشی با هدف ارزیابی میزان رشد و یا انحطاط فرهنگی آن جامعه آغاز می‌گردد نوع برخورد حاکمان با کتاب و نظام کتابخانه‌ای و وضعیت چاپ و نشر و نیز خدمات کتابخانه‌ای از شاخصهای مهم ارزیابی تلقی می‌گردند.

در کشور ما هرچند پس از پیروزی انقلاب اسلامی تفکر و اندیشه از منزلتی والا برخوردار شد و در پرتو آن به جان مایه تفکر و اندیشه یعنی کتاب نیز توجهی ویژه مبدول شد اما به دلایل که شرح آنها گذشت تاکنون هرگز فرصت برنامه‌ریزی دقیق و عمیق در این مقوله دست نداده و در زمینه نظام کتابخانه‌ای نیز حرکتی درخور و شایسته صورت نگرفته و این بخش حیاتی از فرهنگ کشور ما در اولویت خاص محتاج بازنگری و بازسازی و تعمقی جدی است.

در برنامه اول توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی نیز

کشور ما بدان دچار است می پردازیم.

کتاب، یک مفهوم و چند مصداق

«رسانه گروهی قابل انتقالی که حاوی مطالب قابل بازیابی در هر زمان و مکان باشد» می تواند تعریف نسبتاً رسانی از کتاب محسوب گردد. هرچند این مفهوم در سیر تطور زمان مصادیق گوناگون داشته و تحول مصادیق آن بهمین جا هم خاتمه نخواهد یافت.

بشر نخستین از همان آغاز که توانست با علائم و صور منظور خود را بیان نماید، ساده ترین مصداق «مفهوم کتاب» را پدید آورد. سطح صاف استخوانها که با سنگهای نوک تیز حکاکی می شدند و علائم را بر خود ضبط می نمودند اولین کتابهای بشرند پس از آن چوب و پوست درختان و بعدها پوست جانوران. اما هیچکدام از این ها ماندگاری نداشتند و تنها وقتی انسان حکاکی بر سنگ را آموخت نوشته هایش را هم ماندگاری بخشید.

در نقاط مختلف دنیا، بازمانده از روزگاران کهن سنگ نبشته های فراوانی بدست آمده و در ایران کهن حکاکی بر صخره ها و دیواره های سنگی معمول بوده سنگ های بزرگ غیر قابل انتقال نیز برای نوشتن مورد استفاده قرار می گرفته است. سنگ نبشته ها در برابر مصائب روزگار مقاوم بودند. انتقالشان غالباً غیرممکن، اما متون آنها به درازا پایدار می ماند و میراث نسل های آینده بود.

در دوران باستان فرامین فرمانروایان بر الواح گلین ضبط می شد منشور آزادی کوروش در هنگام فتح بابل. سنگ رزتا که در سال ۱۷۹۹ وسیله یکی از افسران بناپارت در دهانه نیل کشف شد و کلید رمز خط هیروگلیف بود، سنگ نبشته بیستون که دنیای پر رمز و راز خطوط میخی را گشود همه از این دسته اند.

هرچند گام هایی زده شده است که بسیار امیدوار کننده هستند، اما به فرض تحقق همه آنچه پیش بینی گردیده، باز هم تا رسیدن به وضعیت مطلوب راهی بس دراز در پیش داریم و نمای بخش فرهنگ در برنامه اول به هیچ عنوان جوابگوی نیاز جامعه ما نبوده و حداقل این است که آن اولویت خاص که پیش از اینها گفته شد، در برنامه ریزی بازسازی ملحوظ نگردیده، بنظر می آید علت امر این باشد که در کشورهای در حال توسعه برای هزینه های مربوط به طرحهای توسعه اقتصادی و یا نیازهای اساسی مانند بهداشت آموزش و خدمات عمومی نسبت به دیگر مسائل که برگشت مستقیم و فوری سرمایه را دربر ندارد اولویت خاص قائل هستند و کشور ما حتی در طرح محرومیت زدائی نیز از همین مشی پیروی کرده و به فرهنگ و تربیت بدنی که بدهاتاً از ابعاد بارز محرومیت محسوب می گردند عنایت جدی و کافی به عمل نمی آید. چنین است که در کشورهای در حال رشد و در کشور خودمان (حتی پس از پایان برنامه پنجساله اول، و اگر همین شیوه ادامه پیدا نماید در پایان برنامه دوم هم) از نظام کتابخانه ای به معنای عام و از نظام کتابخانه ای عمومی به معنای خاص به صورتی که در استانداردهای جهانی از آن نام برده شده یا امروز در بسیاری از کشورهای توسعه یافته شاهد آن هستیم خبری نخواهد بود، مگر معدودی در پایتخت و یا شهرهای بزرگ مراکز استانها.

ما در بررسی خود هرچند از فرهنگ آغاز کردیم و به کتاب رسیدیم و نهایت پیرامون نظام کتابخانه ای بحث را ادامه دادیم اما از این پس بارزترین وجه نظام کتابخانه ای یعنی کتابخانه های عمومی را مدنظر قرار داده و با اشاره ای به تاریخچه کتاب و کتابخوانی و کتابخانه در جهان و ایران به ذکر شرح کوتاهی از نارسائی ها و معضلاتی که در حال حاضر نظام کتابخانه های عمومی



انسان فلز را که شناخت و به مس و مفرغ و طلا و نقره که دست پیدا کرد - آنها را به خدمت ضبط مطالب درآورد، الواح زرین که از ایران باستان بجا مانده گویای استفاده فراوان از این عناصرند.

حماسه مشهور گیل گمش بر الواح گلین نوشته شد که در میان مردم بین النهرین در حدود سه هزار سال قبل از میلاد مرسوم بود - کاتبان کارآموده‌ای بر این الواح می نوشتند و پس از آن الواح را به نور خورشید و گاه به کوره‌های داغ - می سپردند تا بخوبی پخته شود - هنگامی که مطالب زیاد بود هر لوح يك صفحه کتاب تلقی می شد - کتابخانه تلو متعلق به سومریان که در جنوب بغداد کشف شد و مجموعه کتابخانه آشور بنی پال فرمانروای آشور که در نی نوا برپا شده بود و مطالب متنوعی در زمینه‌های شعر و ادب و تاریخ و علم و مذهب و انسان را در بر می گرفت و فهرست الواح هر اتاق بر در آن حک شده بود چیزی جز دهها هزار الواح گلین نبود.

الواح چوبین پوشیده از موم نیز در مصر و بابل و یونان به فراوانی رواج داشت.

ساقه پاییزوس ماده‌ای که در مصر باستان ارزان و فراوان یافت می شد بوسیله مصریان به برگی نازک و کرم رنگ تبدیل می شد که بی شباهت به کاغذهای امروز نبود - از کنار هم چسبیدن این برگها گاه طوماری ده متری فراهم می آمد - این طومارها در تنگ‌های گلین - پوشش‌های چرمین و استوانه‌های فلزی قرار می گرفتند مشهورترین کتاب مصریان که در اغلب آرامگاههای خصوصی یافت می شد و تولید نسخه‌های این کتاب در مصر باستان ممر درآمدی به حساب می آمد، کتاب مردگان بود.

کتابخانه اسکندریه که در قرن ۳ قبل از میلاد پایه گذاری شد صدها هزار طومار پاییزوس بود - پاییزوس از طریق فنیقی‌ها که



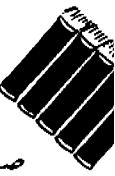
دریانوردان ماهری بودند به سرزمین‌های دوردست برده شد - پارشمن یا ولوم که از چرم جانداران بدست می آمد در آسیای صغیر استفاده فراوانی داشت. کتابخانه‌ها «پیرگاموم» در آسیای صغیر هزاران طومار چرمین داشت. شکل نخستین کتابهای امروزی بنام «کدکس» از پارشمن یا ولوم بوجود آمد - در این کتابها بجای کاغذ از پوست جانداران استفاده می شد و به جای ورقهای دراز طوماری - آنها را به قطعات یکنواخت بریده و همه برگ‌ها از يك طرف به هم دوخته می شد و با چوب نیز آن را مجلد می کردند.

از قرون اولیه هجری تا قرون چهارم و پنجم مصادف با قرون هشتم الی دوازدهم میلادی اوج درخشش کتاب و کتابخانه و گرایش بسوی علوم و فنون مختلف را می توان در جهان اسلام مشاهده کرد و این درست زمانی است که اروپا در بدترین شرایط فرهنگی تاریخ خویش به سر می برد. امپراطوری روم غربی سقوط کرده و با انحطاط تمدن آن موضوعات علمی - هنری و ادبی یکسره به دست فراموشی سپرده شده و کتاب نیز به قعر سقوط کشیده شده است و تنها مسائل مذهبی، محور تکثیر و استنساخ کتاب بود. کتابهای مذهبی در صومعه‌ها رونویسی می شد و گاه کار رونویسی يك انجیل یکسال بطول می انجامید و بهای کتب مذهبی فوق العاده گزاف بوده و يك کتاب با يك تاکستان معاوضه می شد.

و بالاخره در قرون چهاردهم و پانزدهم میلادی دو عامل عمده در شکل کتاب تحولی تاریخی ایجاد کرد. عامل اول رواج کاغذ بود که پس از اینکه در قرن ۲ میلادی ساخت آن در چین آغاز شد و در قرن هفتم به ژاپن کشیده شد - در نیمه اول قرن دوم هجری در ته‌اجم چینی‌ها به سمرقند - مسلمین از اسرای چینی طرز ساخت آن را آموختند و مدتها سمرقند مهمترین مرکز کاغذسازی شد و کاغذ سمرقندی اشتهار فوق العاده‌ای پیدا کرد و بالاخره اروپائیان که تا قرن ۱۲ میلادی کاغذ را نمی شناختند اولین بار از طریق اسپانیا با کاغذ آشنا و در قرن ۱۴ تاغذ در اروپا رواج کلی یافت.

عامل دوم اختراع صنعت چاپ بود که گوتنبرگ المانی با اختراع حروف فلزی مهمترین تحول تاریخ کتاب را رقم زد - نخستین کتابی که با حروف فلزی توسط گوتنبرگ چاپ شد به انجیل ۴۲ سطری معروف گردید - بالاخره در اوائل قرن شانزدهم صنعت چاپ تمام اروپا را فرا گرفت و فن حروف چینی نیز تکامل پیدا کرد - شکسپیر - سروانتس - دکارت - گالیله - مولیر - ویتوتون جزو اولین نویسندگانی بودند که آثار آنها برای نخستین بار چاپ شد.

از آن تاریخ به بعد صنعت چاپ و کاغذ سازی و در کنار آن



- و برخی دیگر به اختصاص - تخصصی و عمومی عده‌ای هم کتابخانه‌ها را از دید طبقه‌بندی اجتماعی به کتابخانه‌های حکمرانان - برگزیدگان و طلاب و دانشجویان تقسیم بندی نموده‌اند.
بنظر می‌آید طبقه بندی نوع دوم مناسب‌تر و برای گذشته و آینده صادق‌تر باشد.

ما در بیان تاریخ کتابخانه‌ها از هر سه گونه کتابخانه نمونه‌ای آورده‌ایم اما بحث اصلی ما در انتهای مقاله پیرامون کتابخانه‌های عمومی خواهد بود.

□ نخستین کتابخانه‌های جهان باستان

هرچند برای پیدایش و ایجاد کتابخانه آغاز دقیقی را نمی‌توان یافت اما قدر مسلم این است که تاریخ ایجاد کتابخانه به تاریخ پیدایش کتاب گره خورده است و مسلم‌تر این است که قدمت کتابخانه‌ها چون زبور - تورات - اوستا ریگ وداو نیز «حماسه آفرینش» و «حماسه گیلگمش» بابل و «کتاب مردگان مصر» به پیش از بیست و پنج قرن باز می‌گردد.

در موزه لندن الواح و سنگ نیشته‌هایی وجود دارد که حاوی ادبیات بابل و آشور - اشعار حماسی و مذهبی و مدارک نجومی و شرح مقیاس‌ها - اوزان - داعیه طلسم‌ها و پیروزی‌های جنگی پادشاه و سرداران او و فهرست زمان وقایع و تاریخ آشور است و جالب اینکه در هر کدام از این الواح نام و نشان پادشاه و منبع مطلب مندرج در لوحه نیز آمده است. الواح مذکور در نیمه قرن گذشته از دل خاک بیرون آمد و باقیمانده کتابخانه آشور بانیپال پادشاه معروف آشور است که حدود ۶۵۰ سال قبل از میلاد در نی‌نوا ایجاد شده بود.

شصت هزار لوحه نیز در نیمه دوم قرن اخیر در جنوب بغداد کشف گردید که يك کتابخانه کامل سومری متعلق به عصر باستان تشخیص داده شده است.

چین باستان دارای کتابخانه‌های عظیم بوده است که در جنگ‌ها و غارت‌های داخلی به تدریج از میان رفته‌اند و از فهرست‌های قطور و کثیری که در قرن‌ها ۱۰-۱۴ و ۱۵ تألیف شده و به ترتیب شامل ۳۰۰ جلد، ۱۰۰ جلد و ۲۲۹۲۷ جلد بوده و بمنزله دائرة المعارف‌های بزرگی هستند که حاوی کلیه اطلاعات مندرج در سایر کتابهای این کشور است، می‌توان به وجود کتابهای متعددی که در قرون سابق در چین باستان وجود داشته است پی برد.

مراکز بودائی هند باستان نیز دارای کتابخانه‌های غنی و ارزشمندی بوده‌اند اما کتابخانه‌های بزرگ یونان و روم باستان مثل کتابخانه‌های آکادمی فلسفه افلاطون و دارالعلم اپیکور و کتابخانه

صحافی و تجلید کتاب گسترش و تحول فوق‌العاده‌ای یافت و در قرن حاضر روند کار بگونه‌ایست که شاهد کتابهای غیر کاغذی هستیم - کتابهایی که بر نوارهای صوتی ضبط شده‌اند - کتابهایی که بشکل میکروفیلم‌های بسیار ظریف درآمده‌اند و بالاخره دیسک‌های کامپیوتر که هر کدام دهها هزار صفحه مکتوب را در خود جای می‌دهند و رفته رفته افسانه جامعه بدون کاغذ در حال تحقق است.

اما هیچکدام از این پیشرفت‌ها و تنوع مصادیق نتوانسته‌اند مفهوم مقدس و سنتی کتاب را تحت تاثیر قرار دهند و حتی به جرئت می‌توان گفت مصادیق معمول کتاب یعنی «کتاب کاغذین» نیز در برابر هجوم پرسرو صدای ماشین‌های آهنی مقاومتی درخور نشان داده و بسیار بعید به نظر می‌رسد که در پای این غول‌های آهنی که هر روز کم‌جسته‌تر نیز می‌شوند - کتاب کاغذین به سرنوشت پاپيروس در مقایسه با کاغذ یا الواح گلین در مقایسه با پاپيروس دچار گردد. و حداقل این است که برای چهارینجم جهان فعلی که بسیاری قدم‌های آغازین را در این مقوله نه اینکه برداشته که هنوز تأملی در آن نکرده و ندانسته که چگونه باید بردارد و کجا باید بگذارد - هنوز سخن از کتاب و کاغذ مبحثی تازه و بل اساسی و گره خورده با سرنوشت فرهنگ او محسوب می‌گردد.

□ کتابخانه - تعریف و تاریخ

برای ارائه تعریفی درست از کتابخانه باید به مفهوم کتاب و مصادیق چندگانه آن باز گردیم.

گاهی کتابخانه‌ها از مجموع الواح گلین و سنگ نیشته‌ها فراهم می‌آید - و سپس هزاران طومار چرمین یا ورقه‌هایی از جنس پاپيروس کتابخانه‌ای را تشکیل می‌دهند و بالاخره شکل فعلی کتابخانه عبارت است از مجموعه مجلدات چاپی و ناگفته پیداست که بر مجموعه نوارهای صوتی که هر کدام کتابی را در خود ضبط کرده باشند یا دیسک‌هایی که حاوی چندین کتاب باشند نیز چنانچه بطور منظم و صحیحی در کنارهم قرار بگیرند می‌توان نام کتابخانه اطلاق کرد. آنچه در همه این اشکال مشترک است و بدون آن مفهوم کتابخانه محقق نخواهد شد نظم و انطباطی است که در انباشتن دانش‌ها اعمال می‌گردد.

حاصل این نظم خاص بازبایی سریع هرگونه معرفت و اطلاعات است و امروزه کیفیت کتابخانه‌ها به سرعت بازبایی اطلاعات در آنها سنجیده می‌شود.

کتابخانه را تقسیم بندی‌های متفاوتی نموده‌اند - برخی کتابخانه‌های را به شخص - نیمه همگانی و همگانی تقسیم کرده‌اند

ارسطو از ارزش خاص برخوردار بوده‌اند.

در تاریخ رم از ۲۶ کتابخانه در شهر روم و ۵۰ باب کتابخانه در امپراطوری رم نام برده شده است. کتابخانه عمومی بیزانس در روم شرقی دارای ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب بود که در سال ۴۷۶ سوزانده شد.

از مهم‌ترین و معروف‌ترین کتابخانه‌های عصر کهن کتابخانه اسکندریه است که مورخین تعداد کتاب و طومار آن را هفتصد هزار نوشته‌اند، این کتابخانه دارای تقسیم‌بندی‌های خاص برای آثار و موضوعات مختلف بوده که قسمت اعظم آن در جنگ‌های داخلی اسکندریه در قرن سوم میلادی از بین رفته است.

□ نخستین کتابخانه‌های ایران باستان

هزاران لوحه مکشوفه در تخت جمشید و ۲۴۵۰ لوحه مکشوفه در فسا می‌توانند شاهدهی معتبر برای وجود کتابخانه‌های عظیمی در ایران دوران باستان باشند آنچه مسلم است در کنار دانشگاه‌های بزرگی چون گندی شاپور نیز کتابخانه‌های ارزشمندی وجود داشته است.

«ابن الندیم» در «الفهرست» از کتابخانه‌های ایران چنین می‌گوید:

«پس از اینکه اسکندر بر فارس و کاخ داریوش دست یافت گنجینه‌های دانش آن را که به زبان پهلوی بر سنگ‌ها و لوح‌ها از دانش‌های مختلف طبیعی، پزشکی و هیات نوشته شده بود فرمان داد تا به زبانهای قبطی و یونانی برگردانند و آنها را به مصر فرستاد تا در کتابخانه اسکندریه نگاهداری شود «الفهرست ص ۱۲۹» ابوالفرج محمد بن اسحاق ابن الندیم ابی سهل بن نوبخت نیز در کتاب نهمان درباره کتابخانه کاخ آپادانا مطالبی آورده است. بنابراین عمده گنجینه کتابهای هخامنشی به کتابخانه اسکندریه انتقال یافت که آنها در يك حریق مهیب از بین رفت. ابن الندیم از دو کتابخانه دیگر هم در زمان ساسانیان سخن می‌گوید یکی کتابخانه اردشیر بابکان و دیگری کتابخانه‌ای که نوشیروان در گندی شاپور بواسطه دانشگاه آنجا فراهم آورده بود.

ابن الندیم می‌نویسد:

آنگاه که اردشیر بابک استیلا یافت کتابهایی که از ایران باستان مانده و پراکنده شده بودند از هند و چین گرد آورد و در گنجینه‌ای آنها را نگاهداری می‌کرد پسرش شاپور اول کار او را دنبال و آنچه از زبانهای دیگر به فارسی برگردانده شده و بصورت کتاب درآمده بود همه را فراهم آورد و همچنین به جمع‌آوری اوستا پرداخت و با کمک بزرگ موبدان اوستا را بار دیگر پس از اینکه اسکندر آن را سوزانده بود احیاء کرد.

«الفهرست ص ۱۳۹»

فرید وجدی نیز متذکر این نکته گردیده و از گنجینه گرانبه‌ای آثار هنری دوران باستان ایران که اردشیر بابکان فراهم آورده بود سخن گفته است.

«دائرة المعارف اسلامی محمد فرید وجدی ص ۶۷»

ترجمه کتاب کللیله و دمنه و هزار و یکشب از زبان سانسکریت به زبان پارسی بدستور انوشیروان نیز نشان دهنده رواج کتاب در آن دوران می‌باشد.

شاپور اول ساسانی نیز در بغداد کتابخانه معظمی ایجاد کرده بود که تا زمان استیلای طغرل سلجوقی برجای مانده و در اثر هجوم وی این کتابخانه دستخوش تاراج و غارت قرار گرفته و از بین می‌رود.

«خزائن الکتب القدیمة فی العراق - کورگوس عواد - دائرة

المعارف فرید وجدی در ضمن مقاله کتب خانه»

باری از نوشته‌های ابن سهل بن نوبخت و ابن الندیم چنین بر می‌آید که از دوران ساسانیها ۸۲ جلد کتاب در امور مذهبی - ۹ جلد در مورد شکار و پند و اندرز و غیره و ۷۰ جلد در متون مختلف از زبان پهلوی به زبان عربی نقل و ترجمه شد و به گفته جرجی زیدان و رفاعی خاندان نوبختی‌ها به تنهایی بیست جلد کتاب در حکمت و آداب معاشرت و موسیقی از پهلوی به عربی ترجمه کرده‌اند.





□ کتابخانه‌های کهن جهان اسلام

هرچند پرداختن به این بحث آنطور که شایسته است از حوصله این نوشته بیرون است ولی اشارتی به کتابخانه‌های آن روزگار جهان اسلام و تذکار قدر و ارزشی که اسلام برای کتاب و کتابخانه قائل است گریز ناپذیر می‌نماید.

رسالت عظیم محمد (ص) با ندای ملکوتی «اقراً» آغاز شد و مجموعه کلام خدا، اعجاز جاویدان پیامبر خاتم، «کتاب» نام گرفت و همو بیش از هر چیز خلق را به اندیشه و تأمل و به تعلیم و تعلم فرمان داد و چنین بود که این «بسیار خواندنی» تکریم شده و تمجید شده، «قرآن» ام‌الکتب شد و چشمه‌ای فیاض که هزاران کتاب دیگر از او جوشید و گنجینه گران سنگ فرهنگ و معارف اسلامی را پدید آورد.

اسطوره جامعه بدون کاغذ که شاید فردا به منت حضور ماشین‌های آهنی محقق گردد، آن روزگاران به همت حافظه قوی و سینه گشاده تازیان بدوی شکوه فوق‌العاده‌ای داشت، بدین ترتیب اولین نسخه‌های قرآن بی‌مدد کاغذ و چاپ بر سینه‌های پاک عاشقان اسلام حک گردید، بتدریج که وسعت و عمق معارف اسلامی فزونی یافت و در تفسیر و تبیین هر آیه‌ای و بلکه هر کلمه‌ای از کلمات قرآن سخن‌ها گفته آمد که هر کدام چون مشعل‌های فروزانی برگرفته از خرمن انبوه نور، زوایای راه را بیشتر روشن می‌کرد. به ضرورت حفظ قرآن و همه آنچه در پیرامون آن بر لسان محمد (ص) و دیگر یاران و صحابه بزرگوارش جاری می‌گشت به صورت نیشته‌یی برده شد و از این رو اولین گام‌های اساسی در جهت حفظ و صیانت متون دست‌نشته‌ای برداشته شد. گرداورندگان حدیث گام‌های بعدی را برداشتند که شالوده بنای سترگ توثیق حدیث نیز از همین جا نهاده شد، و بتدریج یادداشت‌نویسی در بین طالبان دانش و پژوهندگان علم رایج گردید.

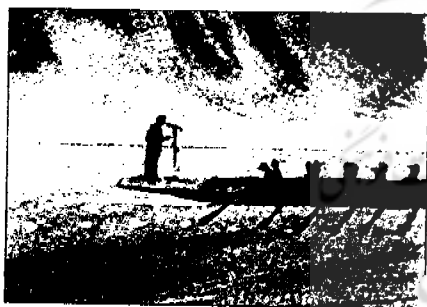
سعد بن جبیر (م ۹۶ هـ) در این باره می‌گوید: در کلاس درس ابن عباس، من غالباً بر روی صفحه کاغذ می‌نوشتم، اگر کاغذ پر می‌شد بر چرم بالای کفش‌هایم و بعد بر دست‌هایم. پدرم همواره به من می‌گفت درس‌ها را حفظ کن اما همواره با نوشتن باشد. هنگامی که از درس استاد فارغ شدم و به خانه بازگشتی گفتار استاد را بنویس در این صورت اگر به آنها نیاز داشته باشی یا حافظه‌ات یاری نکند، آن گفته‌ها را بصورت نوشته در اختیار خواهی داشت.

مدارك بدست آمده از ابن اسحاق، واقدی، ابن سعد، بلاذری، طبری و بخارانی حاکی از آن است که عروه بن زبیر (م ۵۰-۹۴ هـ) نخستین کسی بود که به جمع‌آوری این چنین

یادداشت‌های ورق‌پاره‌ای همت گذاشت، شاگرد وی زهیر (م ۱۲۵ هـ) تعداد بسیار زیادی از این کتابها را جمع‌آوری کرد به گونه‌ای که در منزلش جانی برای دیگر امور نبود، «کيهان فرهنگی شماره ۲۱ نقش کتاب در تهران و فرهنگ اسلامی ضیاء الدین سردار - ترجمه مهیار علوی مقدم».

پاره‌ای از محققین معتقدند که زهیر به جمع‌آوری کتاب اقدام نمود و اولین کتابخانه مسلمانان را برپا کرد، باری هنوز یکصد سال پیش از ظهور اسلام نگذشته بود که رویکرد مسلمین به ابزار نوشتاری بعدی از پیشرفت و کمال رسید که مسلمین اهل کتاب به معنای حقیقی کلمه محسوب می‌شدند و همه اینها البته ریشه در فرهنگ دینی داشت که پیامبرش مداد علماء را از خون شهیدان برتر دانسته بود، در تمامی شهرهای بزرگ کتابخانه‌های عظیم بنا نهاده شده و اسهاری کتاب در سرتاسر تمدن اسلامی سنت حسنه‌ای تلقی گردید، تقریباً عموم خلفای بنی‌امیه، بنی‌عباس، امویان اسپانیا، فاطمیان مصر و امیران حمدانی، ... حمدانیان حلب، آل‌بویه ایران - سامانیان - غزنویان و مغولان هندوچین به تأسیس کتابخانه‌های بزرگ در قلمرو حکومت خویش همت نهادند.

واژگان مصطلح و غالباً مترادفی که برای انتزاع مفهوم کتابخانه به کار برده می‌شد عبارت بودند از بیت‌الحکمه - خزانه الحکمه - دارالحکمه - دارالعلم و دارالکتب.



هارون الرشید خلیفه عباسی مشهورترین کتابخانه‌های مسلمین را به نام بیت‌الحکمه در بغداد بنا نهاد که هم مرکزی بزرگ برای مطالعه و دست‌یابی به کتب و هم محلی برای ترجمه محسوب می‌گردید، ابن‌الندیم در الفهرست و حاجی خلیفه در کشف‌الظنون نام بسیار کتابها را که در این مرکز معظم از زبانهای غیر عربی به عربی ترجمه شده‌اند را آورده‌اند.

خوارزمی ریاضی‌دان نامدار مسلمان و صاحب کتاب‌الجبر و المقابله به همراه جمعی کثیر از دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان از اعضاء بیت‌الحکمه بودند حیات پربار بیت‌الحکمه تا قرن ششم هجری ادامه یافت و سپس با احداث و تأسیس کتابخانه عظیم

دیگری در بغداد بتدریج تحت الشعاع قرار گرفت.

از دیگر کتابخانه‌های معتبر آن دوران کتابخانه مدرسه نظامیه بغداد بود. مدرسه باشکوهی که به همت نظام‌الملک تأسیس گردید کتابخانه این مدرسه را کتابداران ورزیده‌ای اداره می‌کردند از جمله ابوزکریای تبریزی و یعقوب بن سلمان عسگری مستنصر بالله خلیفه عباسی نیز مجموعه‌ای بزرگ را در سال ۶۲۵ هجری در کنار رودخانه فرات بنانهاد که احداث آن شش سال بطول انجامید، این مجموعه شامل مدرسه، کتابخانه و بیمارستان بود، این بطوطه در توصیفی روشن از این مدرسه می‌گوید: «تنها در حدود ۱۵۰ بار شتر کتابهای کمیاب از مایملک حکومتی به این کتابخانه اهداء شد که ۸۰۰۰ کتاب را در بر می‌گرفت» حاکم فاطمی «عزیز ابن المعز» در قاهره کتابخانه خزائن را بنا گذاشت که دارای چهل حجره و قریب به یک میلیون و سیصد هزار جلد کتاب بود و مکان‌هایی نیز برای اسکان در اختیار مراجعین قرار می‌گرفت و غذا و مقرری نیز برای آنها در نظر گرفته شده بود.

یاقوت حموی جغرافیدان بزرگ و جهانگرد معروف از اینکه خراب‌کاری‌های قوم تاتار باعث اقامت وی در شهر مرو شده بود اظهار مسرت می‌نماید و از کتابخانه‌های عالی این شهر سخن به میان آورده و می‌گوید، «حداقل در این شهر ده کتابخانه وجود دارد که کتابهای آن را به آسانی می‌توان در اختیار گرفت» و اشاره می‌کند که یکبار در نزد وی بیش از ۲۰۰ جلد کتاب به امانت بوده است.

اجمال سخن آنکه کتاب و کتابخانه در جهان اسلام همزاد مساجد و مدارس بوده و همگام با آنها رشد و توسعه یافته بنحوی که در قرون اولیه تمدن اسلامی کمتر مسجد یا مدرسه‌ای را می‌توان یافت که در کنار آن کتابخانه‌ای و محلی برای مطالعه و استفاده از کتاب وجود نداشته باشد، بدین ترتیب کتابخانه در اسلام یک نهاد سنتی فرهنگی و از مقدمات و لوازم واجب آموزشی محسوب می‌شد و در ایام باشکوه تمدن اسلامی توجهی همه‌جانبه از سوی حکومت‌ها - علماء و دانشمندان و حتی تجار و مردم عوام نسبت به کتاب معطوف گردید، تجارت کتاب گسترش یافت، حاکمان و دستگاه‌های وابسته به حکومت داد و ستد کتاب را تشویق می‌نمودند، گرد آورندگان کتابخانه‌های خصوصی فراوان بودند و غیر از فضلاء و اهل علم - مردم بی‌سواد و عامی نیز از باب تفاخر به گردآوری کتاب و ایجاد کتابخانه‌های شخصی اهتمام به خرج می‌دادند. یعقوبی می‌نویسد «در بغداد به تنهایی یک صد کتابفروشی وجود داشته» که کتابفروشی بزرگ «النديم» که مجموعه کتب آن در اثر ارزشمند وی بنام الفهرست توصیف شده نیز از آن جمله است.

«سوق الوراقان» بازارهای کتاب در شهرهای بغداد - قاهره - قرطبه سویل و سمرقند مشهور بوده‌اند، گذشته از اینها - مکان‌هایی عمومی بنام موسسات اجاره در شهرهای بزرگ اسلامی وجود داشت که مراجعین با پرداخت مبلغی برای زمان معین کتاب را به امانت می‌گرفتند.

در خصوص کتابخانه‌های کهن جهان اسلام به همین بسنده می‌کنیم که اگر بخواهیم تنها نام کتابخانه‌های بزرگ آن روزگار را بر شماریم بسیار بیش از این‌ها فرصت و حوصله می‌طلبید - بنابراین به اقتضای بحث، از کتابخانه‌های ایران پس از وازگون شدن حکومت سلاطین و ورود نور اسلام به این سرزمین باستانی سخن می‌گوئیم.

ادامه دارد...

